

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال هفتم (۱۳۹۶)، شماره هفدهم

طبقه‌بندی و تحلیل آراء فقیهان شیعه در حوزه اختلاف قرائات

علی‌اکبر صافی اصفهانی^۱

محمد رضا ستوده نیا^۲

چکیده

در شماری از آیات الاحکام قرآن، اختلاف در قرائت وجود دارد. ثمره اختلافی که در قرائت این آیات وجود دارد صرفاً به حوزه قرائت مرتبط نمی‌شود؛ بلکه در علوم قرآن و فقه نیز اثرگذار است. از همین رو، آیات مذکور همواره در کانون توجه مفسران و فقیهان مسلمان بوده است. نفی قرائات سبع یا عشر متواتر توسط برخی از عالمان متأخر و معاصر شیعه و پافشاری آنان بر انحصار حجیت و اعتبار در قرائت حفص و یا حجیت قرائاتی که ثابت شود در زمان امامان شیعه (ع) رایج بوده است، دستمایه برخی شبهات و اتهامات شده است. پژوهش حاضر با گونه‌شناسی مواجهه فقیهان متقدم امامیه با اختلاف قرائات آیات الاحکام و به دست آوردن شش رویکرد عمده این فقیهان، نشان می‌دهد که نظریه تواتر و حجیت قرائات سبع و عشر مشهور، نظریه اصلی فقیهان شیعه و مورد پذیرش بسیاری از آنان است. هر یک از این نظریات می‌تواند در توسعه یا تضییق برداشت‌های فقهی و تفسیری از آیات دارای اختلاف قرائت، اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی: اختلاف قرائات، تواتر قرائات، قرائات سبع، قرائات عشر، فقیهان شیعه، آیات الاحکام.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، رئیس مؤسسه آموزش عالی حوزوی علامه مجلسی دفتر تبلیغات

اسلامی اصفهان (نویسنده مسئول) / safi@dte.ir

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان / bayanelm@yahoo.com

۱- مقدمه

آیات الاحکام اولین و اصلی‌ترین منبع از منابع چهارگانه فقها و مجتهدان شیعه در استنباط احکام و تکالیف شرعی است. این آیات در مواردی دارای اختلاف قرائت در فَرش الحروف^۱ خود می‌باشند. برخی از فقیهان متأخر و معاصر شیعه در مواجهه با اختلاف قرائت این آیات دو رویکرد را پیش رو قرار داده‌اند؛ یا قرائت موجود در مصحف فعلی - یعنی قرائت حفص - را معتبر و دارای حجیت دانسته‌اند و یا قرائتی را حائز اعتبار و حجیت شرعی دانسته‌اند که رواج آن‌ها در زمان امامان شیعه علیهم‌السلام ثابت شده باشد (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۸، ص ۵۶/ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۴۵/ عسکری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۶۰)^۲. این دو رویکرد به سبب نفی تواتر و حجیت قرائت سبع و عشر مشهور در میان عامه مسلمانان، باعث وارد شدن اتهامات و شبهاتی علیه شیعه شده است. سؤال اصلی تحقیق پیش رو این است که غالب فقیهان شیعه اعم از متقدم و متأخر در اجتهادات فقهی خویش کدام مجموعه از قرائت را مورد پذیرش و ملاک و مبنای فتاوی خود قرار داده‌اند؟

در پاسخ به این سؤال، لازم است چگونگی مواجهه فقیهان با مقوله اختلاف قرائت و همچنین دیدگاه‌های آنان در پذیرفتن یا نپذیرفتن قرائت سبع یا عشر مشهور یا سایر مجموعه‌های قرائتی، بررسی و تبیین شود؛ زیرا آگاهی از این دیدگاه‌ها، اولاً تأثیر اختلاف قرائت آیات احکام در شکل‌گیری فتاوی عالمان شیعی را نشان می‌دهد ثانیاً زمینه توسعه تحقیق بر روی اثر قرائت در فقه را فراهم می‌سازد و ثالثاً باعث توانمندسازی فقه شیعی در پاسخگویی به نیازهای فقهی نوپدید می‌گردد.

۱. مراد از فروع قرائتی یا فَرش الحروف هر قاری، احکام و قواعد خاصی است که موارد آن در قرائت آن قاری به صورت کلی جاری نیست بلکه اختصاص به موارد جزئی پراکنده در قرآن دارد، مانند قرائت «مالک» در سوره حمد توسط عاصم و کسائی و «ملک» توسط دیگر قراء سبع. فَرش به معنای نشر و بسط است و کلمه حروف، جمع «حرف» بوده و در اینجا معنای قرائت می‌دهد. بنابراین علت نامگذاری اختلافات جزئی و موردی قرائت به «فرش» این است که چون بر خلاف اصول قرائتی یا اصول القاری، مثل ادغام یا اماله که در یک جا از آن‌ها بحث می‌شود، از این اختلافات به صورت پراکنده (در موضع خودشان در هر سوره) بحث می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۳۵۵).

۲. عبارت شیخ انصاری این چنین است: «والتحقیق - بعد عدم ثبوت تواتر السبعة، وفاقاً لجماعة ممن تقدم ذکرهم - وجوب اناطة حکم القرآن - من جواز القراءة فی الصلوة او الاستناد الیه فی الاحکام - علی ما هو موجود فی المصاحف الموجود بادی الناس او ما ثبت انها قرائة متعارفة مقررًا علیها فی زمن الائمة - علیهم السلام - والله العالم».

ما در این مقاله، ضمن استخراج آراء فقیهان شیعه در زمینه اختلاف قرائات آیات الاحکام و سامان‌دهی این آراء در ذیل شش مجموعه قرائی، به توصیف و تبیین و در مواردی به تحلیل و نقد مواضع و ادله آنان در حجیت یا حجت نبودن هر یک از این مجموعه‌ها، خواهیم پرداخت. این پژوهش مبتنی بر استخراج، سامان‌دهی، توصیف و تحلیل مجموعه‌های قرائی مورد تمسک فقیهان شیعه، سامان‌دهی شده است و به سبب آنکه از روشی جدید استفاده نموده است پیشینه‌ای برای آن نمی‌توان ذکر کرد. البته شیوه سنتی این نوع از مباحث را در لابلائی آثار فقهی و فتاوی فقه‌ها مخصوصاً در باب قرائت نماز می‌توان مشاهده نمود.

پیش از بیان دیدگاه‌ها، ابتدا به اختصار به کلیات این بحث و آراء مختلف در خصوص تواتر و حجیت قرائات مشهور اشاره می‌شود:

بیشتر فقیهان شیعه اتفاق نظر دارند که در کلماتی از قرآن که دارای اختلاف در حروف، حرکات، تشدید و مد واجب هستند امکان جواز عمل به هر یک از قرائات سبع وجود دارد اما از سوی دیگر جوازی بر عمل به قرائات مازاد بر عشر وجود ندارد. در این زمینه میان فقه‌های شیعه اختلاف نظری وجود ندارد؛ همان‌طور که در عدم وجوب و حتی عدم استحباب تطابق صفات حروف، همچون ترقیق، تفخیم، غنه، اظهار و إخفاء با قرائات سبع و عشر مشهور - هر چند در نظر قراء واجب شمرده شده است - اتفاق نظر وجود دارد؛ فقط برخی به رعایت احتیاط در تطابق این صفات با قرائات متواتر فتوا داده‌اند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۷۴). با وجود اتفاق نظرهایی که وجود دارد، فقیهان در سه قرائت ابوجعفر، یعقوب و خلف که در بین سبع و عشر وجود دارد و به «قرائات مکمل عشر» معروف است، اختلاف نموده‌اند. بسیاری از آنان ادعای شهید ثانی (م. ۹۶۶ ق) و محقق کرکی (م. ۹۴۰ ق) را بر تواتر این سه قرائت به استناد گواهی شهید اول بر تواتر و به استناد مقایسه تواتر با اجماع، درست ندانسته و معتقدند شرط ثبوت تواتر، علم به تواتر است و ظن یا خبر واحد، منجر به ثبوت تواتر نمی‌شود و نیز تواتر قرآن را نمی‌توان با اجماع که با خبر واحد قابل اثبات است، در یک ردیف دانست. در نظر برخی از این فقیهان، تجویز قرائت قرآن مطابق قرائات غیر متواتر که قرآن بودنشان یقینی نیست، معادل فسق و بلکه کفر است و بر فرض حتی اگر خبری از پیامبر (ص) بر تواتر قرآن وجود داشته باشد، اثباتگر تواتر نخواهد بود؛ زیرا تواتر ابزار خود را دارد و با خبر واحد قابل اثبات نیست (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، صص ۲۱۷-۲۱۹).

در مقابل گروه یاد شده که به انحصار حجیت در قرائات سبع یا عشر با استناد به تواتر این قرائات فتوا داده‌اند، گروه دیگری از فقیهان شیعه از اعتقاد به تواتر و حصر حجیت در قرائات مشهور را برگردانده‌اند. از نظر ایشان ملاک حجیت و اعتبار قرائات در انطباق با قواعد زبان عربی یا رواج آن در بین مسلمانان دانسته شده است. بدین شکل قرائات مطابق با نهج عربی یا متداول در بین مردم را مجزی دانسته‌اند (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۷ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۶). پیروان تواتر قرائات مشهور^۱ دلایلی را در اثبات تواتر ذکر نموده‌اند که اجمالاً به دو دلیل آنان اشاره می‌شود:

۱- از نشانه‌های تواتر قرائات، رسم مصاحف بر اساس قرائات و تدوین کتب در موضوع قرائات است؛ زیرا اولاً اهتمام قراء در نقل کلمه به کلمه و حرف به حرف قرآن، ثانیاً کتب فراوانی که در نقل قرائات تدوین یافته است و ثالثاً باور عمومی به فسق و کفر در صورت نقل قرآن از طریق غیر متواتر، موجب مصونیت قرآن از اعمال نظرهای شخصی و حصول ظن نزدیک به علم به عدم تغییر و دگرگونی در آن شده است. از این رو می‌توان قرآن را از کتب تدوین یافته در قرائات و از قراء - هرچند عدالتشان علمی و یقینی نباشد- دریافت نمود و به تواتر آن اطمینان یافت (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، صص ۲۱۷-۲۱۹).

۲- وجود انگیزه شدید بر نقل همه تفصیل قرآن از اجزاء، الفاظ، حرکات و سکنت آن از سوی هر دو گروه موافق و مخالف قرآن در طول تاریخ از عوامل حکم عرف بر تواتر و بلکه قوی‌ترین دلیل بر تواتر قرائات است؛ زیرا از یک سو، ایمان آورندگان که قرآن را خاستگاه تمام احکام می‌دانسته‌اند، به قرائات مختلف توجه و بر آن تحفظ داشته‌اند و از سوی دیگر، منکران قرآن تمام قرائات آن را مورد توجه و تحفظ قرار داده‌اند تا شاید بهانه‌ای بر نقض اعجاز آن بیابند (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۷، صص ۲۰۹-۲۱۲).

۱. برخی از پنج دیدگاه اصلی در ارتباط با آحاد بودن یا متواتر بودن قرائات سخن گفته‌اند: ۱- آحاد بودن قرائات به دلیل محقق نبودن شروط تواتر در اسناد آن‌ها ۲- متواتر بودن قرائات عشر مورد اتفاق و آحاد بودن قرائات عشر مورد اختلاف ۳- تواتر قرائات سبع در فرش الحروف و فروع قرائتی و عدم تواتر این قرائات در صفات حروف و اصول قرائتی مثل مدّ و إمالة ۴- تواتر قرائات سبع از قراء به بعد و عدم تواتر در نقل قراء از پیامبر (ص) (دیدگاه زرکشی در البرهان و اکثر فقیهان شیعه) ۵- تواتر مطلق قرائات عشر، از ما تا قراء و از قراء تا رسول الله (دیدگاه اکثر فقیهان سنی) (قابه، ۱۹۹۹، صص ۱۷۹-۱۹۰).

اینک به بررسی نحوه مواجهه فقیهان شیعه با مقوله اختلاف قرائات می‌پردازیم و آراء ایشان در این موضوع را به تفصیل بیان می‌کنیم:

۲- اقوال فقیهان شیعه در ارتباط با اختلاف قرائات

در نگاه نخست و پیش از بررسی آراء فقیهان شیعه در مواجهه با مقوله قرائات ممکن است تصور شود که دیدگاه‌های متعددی در این زمینه وجود دارد ولی با جستجوی این اقوال خواهیم دید که تعدد مفروض صحیح نیست. نویسندگان در ادامه با استخراج و سپس ساماندهی اقوال در نهایت بر شش دیدگاه اصلی در این زمینه دست یافته‌اند. تحقیق صورت گرفته نشان می‌دهد بسیاری از اقوالی که در این حوزه وجود دارد، در ذیل عناوین شش‌گانه زیر قرار می‌گیرند:

۲-۱- تواتر^۱ قرائات سبع و انحصار حجیت در این قرائات

تعابیر جمعی از فقیهان شیعه از انحصار تواتر در قرائات سبع و حجیت این قرائات به طور مطلق، حکایت دارد. رضی^۲ (م. ۴۰۶ ق) در حقائق التاویل آیات متشابه را بر طبق قرائات سبع مورد تحلیل قرار می‌دهد (رضی، بی‌تا، ج ۵، صص ۸۱ و ۱۴۱). علامه حلی (م. ۷۲۶ ق) در تحریر الاحکام هر قرائت دلخواه از قرائات سبع را مجزی و قرائت بر طبق غیر سبع را هرچند روایت آن‌ها متصل و دارای اسناد مشخص باشد، مبطل دانسته است (حلی، ۱۴۲۰، ص ۳۸) و در تذکره و المنتهی بر وجوب قرائت بر طبق سبع فتوا داده و از سه قرائت مکمل عشر در ردیف قرائات شاذ یاد کرده است (حلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴۱/حلی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۶۴). نیز شهید اول (م. ۷۸۶ ق) در الذکری (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۰۵) و ابن فهد حلی (م. ۸۴۱ ق) در الموجز الحاوی

۱. منظور از تواتر در اینجا، تواتر مطرح در علم اصول یا علم حدیث نیست؛ بلکه تواتر در مبحث فقه قرائات یعنی رفتار جاری در بین مسلمانان در قرائت قرآن به پیروی از قراء سبع و عشر بدون ترجیح یک قاری بر دیگری که رواج این رفتار در زمان امامان شیعه و عدم انکار و ردع این سیره توسط آنان، قرینه رضایت آنان به این رفتار و تأیید این قرائات تلقی شده است (اراکی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۱). بنابراین منظور از قرائات متواتر، قرائات متداول در میان مردم در زمان ائمه (ع) می‌باشد که نه تنها خواندن قرآن در نماز و غیر نماز را مطابق آن قرائات اجازه فرموده‌اند؛ بلکه حتی مردم را از پیگیری قرائت اصلی و حقیقی منع نموده و تعیین آن را به ظهور قائم (عج) موکول کرده‌اند (بهبهانی، ۱۴۱۹، ص ۱۰۴).

۲. رضی در حوزه قرائات سبع از شاگردان ابی حفص عمر بن ابراهیم الکنانی بوده است. ابی حفص معاصر با ابن مجاهد مؤلف السبع فی القراءات است.

(ابن فهد حلی، ۱۴۰۹، ص ۷۶) و صیمری (م. ۹۰۰ ق) در کشف الالتباس (صیمری، ۱۴۱۷، ص ۱۲۰) که شرحی بر الموجز الحاوی ابن فهد است، تواتر و حجیت قرائت سبع را فتوای خود قرار داده‌اند. محقق کرکی (م. ۹۴۰ ق) در جامع المقاصد (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۴۵) و شهید ثانی (م. ۹۶۶ ق) در روض الجنان (شهید ثانی، ۱۴۰۲، ص ۲۶۴) به اجماع علماء بر تواتر قرائت سبع اشاره نموده‌اند. شهید ثانی در المقاصد العلیه تواتر سه قرائت مکمل عشر را مورد اختلاف دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۴). اردبیلی (م. ۹۹۳ ق) در مجمع البرهان به نفی خلاف در تواتر قرائت سبع، اشاره نموده (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۷) و سید نعمت‌الله جزائری (م. ۱۱۱۲ ق) در کتاب منبع الحیاة، تواتر قرائت سبع و وجوب قرائت بر طبق آن در نماز را دیدگاه بسیاری از مجتهدان شیعه معرفی می‌کند (جزائری، ۱۴۰۱، ص ۷۱).

موسوی عاملی (م. ۱۰۰۹ ق) در مدارک الأحکام در شرح فرازی از عبارات محقق حلی در شرائع الاسلام به تبیین انحصار حجیت قرائت در قرائت سبع و نفی حجیت سه قرائت مکمل عشر پرداخته است. وی جمعی از فقیهان شیعه را از ناقلان اجماع بر تواتر قرائت سبع معرفی کرده و اشاره شهید ثانی در کتاب روض الجنان را به اثر یکی از قراء در نام‌های راویان قرائت مشهور در هر طبقه که از سقف اعتبار تواتر نیز افزون‌تر است، دلیل بر ثبوت تواتر قرائت می‌داند. وی سخن جماعتی را که مراد از تواتر قرائت سبع را تواتر فرد فرد این قرائت ندانسته‌اند، رد نموده است. او معتقد است که باور به قرار گرفتن قرائت متواتر در درون بسته این قرائت، سخنی دارای ایراد است. به همین دلیل تأکید می‌کند که هیچ‌گاه متواتر در بسته غیر متواتر قرار نمی‌گیرد و با آن مشتبّه نمی‌شود. از این رو اگر فردی همچون علامه حلی در کتاب منتهی خواندن نماز مطابق دو قرائت از قرائت سبع را بی‌هیچ اختلافی صحیح بداند این حکم به معنای آن نیست که تنها این دو قرائت از سبع در نزد او متواتر باشد بلکه به معنای آن است که این دو قرائت از قرائت سبع در نزد او ارجح‌تر و محبوب‌تر است (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۳، صص ۳۳۷-۳۳۹).

نیز حسینی عاملی (م. ۱۲۲۶ ق) در مفتاح الکرامه که بی‌نظیرترین شرح قواعد الأحکام علامه حلی است، در باب حجیت قرائت با صراحت بیان می‌کند که اکثر علمای امامیه قرائت سبع مشهور را متواتر دانسته و قرائت قرآن بر طبق هر یک از آن‌ها را جائز شمرده‌اند. وی به برخی از فتاوی و وجوب قرائت سبع و عدم جواز قرائت مکمل عشر در کتب یادشده اشاره می‌کند و از تعدادی از این کتب، ردّ فتوای شهید اول بر تواتر سه قرائت الحاقی بر سبع را ذکر می‌کند (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۰۹).

در کنار این گروه از فقیهان که به انحصار حجیت در قرائت سبع به طور مطلق فتوا می‌دهند برخی دیگر در حجیت سبع محدودیت‌هایی را قائل شده‌اند که در زیر بدان‌ها اشاره می‌نماییم:

۲-۱-۱- حجیت قرائت سبع در اختلافات جوهری

برخی حجیت قرائت سبع را مختص به اختلاف قرائت‌های جوهری (فروع قرائی) و حجیت بالسویه سایر قرائت در اختلاف قرائت‌های ادائی (اصول قرائی) دانسته‌اند. از آن جمله، شیخ بهایی (م. ۱۰۳۱ ق) در کتاب زبده الاصول در اختلافات جوهری کلمات قرآنی مثل اختلاف قرائت ملک و مالک، قرائت سبع را متواتر می‌داند ولی در اختلافات ادائی مثل اختلاف برخی کلمات قرآنی در مدّ و اماله، قائل به تواتر قرائت سبع و وجوب عمل بر طبق این قرائت نیست (عاملی، ۱۴۲۳، ص ۸۶). بروجردی (م. ۱۳۴۰ ق) در تفسیر صراط مستقیم به نقل از ملا صالح مازندرانی (م. ۱۰۸۶ ق)، دلیل وجوب عمل به قرائت سبع در اختلافات جوهری را متواتر بودن همه این قرائت دانسته که با لزوم تواتر قرآن سازگاری دارد. وی معتقد است اگر در اختلافات جوهری کلمات قرآنی، به غیر قرائت متواتر- یعنی غیر قرائت سبع - عمل شود، لازمه‌اش این خواهد شد که کلماتی از قرآن غیر متواتر باشد و این امر باطل است (بروجردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۰۲).

۲-۱-۲- حجیت قرائت سبع در موارد وجوب قرائت

برخی دیگر، تنها در عمل عبادی همچون نماز که مقتضی برائت ذمه یقینی است، قرائت سبع را مجزی دانسته و در اجزاء سه قرائت مکمل عشر، تردید نموده‌اند. ایشان در غیر عبادات، تفاوتی در عمل بر طبق قرائت سبع یا عشر قائل نشده‌اند. قائلان این نظر عدم حجیت قرائت مکمل عشر در عمل عبادی را به خاطر عدم ثبوت تواتر این قرائت می‌دانند. محقق اردبیلی در مجمع الفائدة و البرهان که در شرح ارشاد الاذهان علامه حلی نگاشته است، نظر شهید ثانی و محقق ثانی (کَرکی) در حجیت قرائت ابوجعفر، یعقوب و خلف را بنا بر گواهی شهید اول بر تواتر این سه قرائت قابل قبول نمی‌داند. محقق اردبیلی معتقد است قرائتی، قرآن است که قرآن بودنش از راه حصول تواتر به دست آمده باشد. از این رو، خبر واحد عادل بر تواتر موجب حصول یقین بر تواتر نمی‌شود؛ چراکه تواتر همچون اجماع نیست که با خبر واحد اثبات شود (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، صص ۲۱۷-۲۱۸). عبارات بروجردی نیز در همین قول ظهور دارد؛ وی عدم خروج

از قرائت سبع را احوط می‌داند و بلکه اقتصار بر قرائت سبع در موارد وجوب قرائت به خاطر نماز یا نذر یا استیجار را اولی دانسته است (بروجردی، ۱۴۱۹، ج ۲، صص ۲۸۹-۳۲۲).

۲-۱-۳- حجیت قرائت مشهور در میان قرائت سبع

برخی از فقیهان معاصر، قرائت نماز مطابق با مشهورترین قرائت از قرائت سبع را احتیاط واجب دانسته و قرائت نماز بر طبق قرائت غیر رایج از بین قرائت سبع را مجزی ندانسته‌اند (مکارم، ۱۴۱۳، ص ۲۰۲). نظیر این دیدگاه در بین قدماء نیز مشهود است؛ چنانکه علامه حلی از قرائت ابوبکر از عاصم و قرائت ابو عمرو به‌عنوان دو قرائت محبوب و مختار خود از میان قرائت سبع یاد نموده و آن دو را اولی از قرائت حمزه و کسائی دانسته است (حلی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۶۴).

۲-۲- تواتر قرائت سبع و عشر و انحصار حجیت در این قرائت

اولین فقیه امامیه که تواتر قرائت سبع و عشر و انحصار حجیت در این قرائت را اختیار نمود، شهید اول (م. ۷۸۶ ق) است. وی در باب قرائت نماز البیان می‌گوید: «نماز با قرائت شاذ که قرائتی خارج از سبع و عشر است، باطل می‌شود» (شهید اول، ۱۴۱۲، ص ۱۵۷) و در الدروس جواز قرائت به سبع و عشر را مورد تصریح قرار می‌دهد و به منع برخی فقیهان از قرائت عشر اشاره می‌کند (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۷۱). همو در الذکری با فتوای علامه حلی در تذکره مبنی بر عدم تواتر قرائت مکمل عشر به مخالفت برخاسته (حلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴۱) و بین قرائت مکمل و قرائت سبع تفاوتی در تواتر قائل نمی‌شود (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۰۵). محقق کرکی (م. ۹۴۰ ق) نیز در الرسالة الجعفریه این قول را قوی دانسته است (کرکی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۰۸) و در جامع المقاصد به اتفاق عالمان شیعی بر تواتر سبع و جواز سه قرائت مکمل عشر و بطلان نماز در صورت قرائت عمدی بر طبق غیر سبع و عشر مثل قرائت ابن محیصن و ابن مسعود اشاره می‌کند (کرکی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۵۵). شهید ثانی نیز در مواضع متعددی از آثار خود از شهید اول تبعیت نموده است. از آن جمله در المقاصد العلیه (شهید ثانی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۵) و روض الجنان (شهید ثانی، ۱۴۰۲، ص ۲۶۴) با این استدلال که ثبوت تواتر قرائت سبع و عشر باخبر شهید اول، کمتر از ثبوت اجماع باخبر واحد نیست، بر جواز قرائت سبع و عشر فتوا می‌دهد.

نیز نراقی (م. ۱۲۴۵ ق) در مستند الشیعه قرائت به هر یک از قرائات عشر را جایز می‌داند و ادعای انحصار تواتر در قرائات سبع یا انحصار اجماع در حجیت قرائات سبع را مردود می‌شمارد (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۷۹). سید محمدباقر خوانساری در روضات الجنات (خوانساری، بی‌تا، ص ۲۶۳) و شعرانی در تعلیقه‌ای که بر شرح اصول کافی ملاصالح مازندرانی نگاشته است (شعرانی، بی‌تا، ج ۱۱، صص ۶۵-۶۶) قرائات سبع و عشر مشهور را متواتر و مجزی و سایر قرائات را باطل دانسته‌اند.

۲-۲-۱- مخالفت شدید برخی فقیهان امامیه با تواتر و حجیت قرائات مکمل

علامه حلی در تذکره و نه‌ایه الاحکام، ابن فهد حلی در الموجز الحاوی، صیمری در کشف الالتباس، اردبیلی در مجمع البرهان، عاملی در مدارک الاحکام و بحرانی در الحدائق الناضره، گواهی شهید اول را در ثبوت تواتر و حجیت سه قرائت مکمل، مؤثر ندانسته‌اند (علامه حلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴۱ / علامه حلی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۶۵ / ابن فهد حلی، ۱۴۰۹، ص ۷۶ / صیمری، ۱۴۱۷، ص ۱۲۰ / اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۷ / عاملی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۳۳۸ / بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۹۵)؛ با این استدلال که ثبوت قرآن نیازمند حصول علم است. این علم با خبر واحد که مفید ظن است محقق نمی‌شود. نمی‌توان جایگاه قرآن را با جایگاه اجماع که با خبر واحد ثابت می‌شود، همسان دانست (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۷). نویسندگان مدارک الاحکام با اشاره به گواهی شهید اول در الذکری بر جواز قرائات مکمل به دلیل همسانی با قرائات سبع در تواتر حکم کرده است. وی با اشاره به سخن کرکی که ثبوت تواتر این قرائات با خبر شهید اول را از ثبوت اجماع با خبر واحد کمتر ندانسته و بر این اساس قرائات مکمل را نیز متواتر و جایز شمرده است، این گواهی و مقایسه را نیکو ندانسته و معتقد است که چنین استدلالی از اعتبار و جایگاه تواتر خواهد کاست؛ زیرا بر طبق این ادعا، هر اخباری بر تواتر را می‌بایست از اخبار واحد عادل بر اجماع که اثباتگر اجماع است، کمتر ندانسته و آن را موجب ثبوت تواتر دانست (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۳، صص ۳۳۷-۳۳۹).

۲-۲-۲- حجیت قرائات سبع و عشر توأم با ترجیح سبع

به موازات دیدگاه دوم مبنی بر حجیت قرائات سبع و مکمل عشر به‌طور مطلق، با اقوال دیگری مواجه هستیم که ضمن پذیرش این دیدگاه، ترجیحاتی را نیز قائل شده‌اند. از آن جمله خوانساری (م. ۱۳۱۳ ق) در روضات الجنات در عین اشاره به عدم اختلاف علمای امامیه در

مقوله حجیت «قرائات سبع» و «قرائات عشر» و استناد به روایات اهل‌البیت (ع) که قرائت قرآن مطابق قرائات مردم را تکلیف دانسته‌اند، از بین دو مجموعه قرائی سبع و عشر، مشهورترین قرائاتی را که مردم بر آن اتکا نموده و قرائات خود را بر طبق آن سامان داده‌اند، قرائات سبع می‌داند (خوانساری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۳).

۲-۳- حجیت قرائات سبع و عشر بنا بر تقیه

برخی دیگر از فقیهان امامیه حجیت این قرائات را صرفاً از باب تقیه دانسته‌اند و دیدگاه اکثر فقیهان امامیه مبنی بر حجیت قرائات سبع و عشر از باب تواتر را مورد انتقاد قرار داده‌اند. از نظر ایشان ادعای به تواتر امری ناصواب است زیرا اولاً قرائات سبع و عشر در بین عامه شهرت یافته و به تواتر توصیف شده است و ثانیاً چنین تواتری از ناحیه معصومان (ع) تأیید نشده است و روایات آنان همچون صحیحہ فضیل بن یسار و صحیحہ زراره، به تکذیب دشمنان خدا در ادعای نزول قرآن مطابق هفت حرف و تأکید بر نزول قرآن بر حرف و قرائت واحد اشاره دارد؛ اما با این وجود، اخباری همچون خیر سالم بن ابی سلمه از امام صادق (ع) با عبارت «إقرء کما یقرء الناس حتی یقوم القائم» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۲۶) وجود دارد که بنا بر اصل تقیه، ما را به متابعت قرائات عامه تا زمان ظهور قائم (عج) فرمان داده‌اند؛ بنابراین اگر امامیه قرائات سبع یا عشر را پذیرفته‌اند نه از باب اعتقاد به تواتر و حجیت قطعی این قرائات، بلکه از باب تقیه و خوف و امثال امر اضطراری معصومان (ع) است (بحرانی، ۱۴۰۹، ص ۶۳/ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۸، صص ۹۹-۱۰۰). از جمله این فقیهان می‌توان به میرزای قمی (م. ۱۳۳۱ ق) اشاره نمود. وی وجوب عمل بر طبق سبع یا عشر را نه بر مبنای تواتر بلکه بر مبنای تکلیفی می‌داند که از سوی معصومان (ع) برای دوران غیبت صادر شده است و در اثبات این دیدگاه، ضمن استناد به اقوال جزائری (م. ۱۱۱۲ ق) در منبع الحیوة و استرآبادی (م. ۶۸۸ ق) در شرح کافیة ابن‌حاجب و سید علی بن طاووس (م. ۶۶۴ ق) در سعد السعود و زمخشری (م. ۵۳۸ ق) در الکشاف، دلایل مبسوطی را بیان داشته است (قمی، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۴۰۷-۴۰۹). همچنین حائری یزدی در کتاب الصلوة، دیدگاه عامه بر نزول چند وجهی قرآن کریم و تواتر قرائات منتهی به زمان نزول را مردود و غیر قابل اثبات دانسته و فقط به مقتضای اخباری که به قرائت قرآن مطابق قرائات

مردم فرمان داده است، عمل بر طبق هر یک از قرائت سبع را حتی اگر با قرائت اصلی مطابقت نداشته باشد، موجب برائت ذمه مکلف می‌داند (حائری یزدی، ۱۴۰۴، ص ۲۰۵).^۱

۲-۴- حجیت قرائت متداول

برخی دیگر از فقیهان متقدم امامیه، در عین التزام به نزول قرآن بر یک قرائت، بر حجیت و اعتبار تمام قرائت متداول و اختیار مکلف در انتخاب قرائت دلخواه اجماع نموده‌اند. ایشان از تعیین یک قرائت یا تعیین یک مجموعه قرائی همچون سبع یا عشر اکراه کرده‌اند به همین دلیل هر قرائتی که در بین قراء ممنوع اعلام نشده را مجاز و موجب صحت عمل عبادی دانسته‌اند. طوسی (م. ۴۶۰ ق) در مقدمه تبیان می‌نویسد: «گرایش معروف امامیه و روایات آنان از نزول قرآن بر یک قرائت حکایت دارد در عین حال از تجرید و تعیین یک قرائت (یا مجموعه‌ای از قرائت) اکراه دارند و بر جواز قرائت مطابق آنچه قراء متداول ساخته‌اند و اختیار مکلف در انتخاب قرائت دلخواه اجماع نموده‌اند» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۷). طبرسی (م. ۵۵۲ ق) نیز در مقدمه مجمع البیان می‌گوید: «با اینکه نزول قرآن بر قرائت واحد امری شایع در اخبار امامیه است اما این مذهب بر جواز عمل بر طبق قرائت متداول در بین قراء اجماع نموده و تجرید بر یک قرائت را نمی‌پسندد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۶).

در میان متأخران نیز برخی فقیهان حصر قرائت در سبع یا عشر و وجوب عمل بر طبق این دو مجموعه قرائی را نمی‌پذیرند و هر قرائت متداول و صحیح را هر چند در زمره قرائت مشهور نباشد، مجزی دانسته‌اند. از جمله این فقیهان، می‌توان از حکیم (م. ۱۳۹۰ ق) نام برد که قرائت رایج را هر چند در مجموعه قرائت سبع یا عشر نباشد، مجزی دانسته است. ایشان در مستمسک العروة الوثقی یقین به برائت ذمه مکلف با عمل به یکی از قرائت سبع را مشروط بر ثبوت تواتر قرائت از جانب پیامبر (ص) می‌داند. وی با استشهاد به اقوال طوسی و طبرسی و جمعی از علمای شیعه و سنی که بر تک قرائت بودن قرآن تأکید دارند و قرائت سبع یا عشر را نشأت

۱. گفتنی است ترک بسمله در سوره نماز مطابق برخی قرائت سبع (قرائت حمزه و ابو عمرو و ابن عامر و ورش از نافع) جایز است اما بر طبق روایات و فتاوی شیعه ترک بسمله جایز نیست و تمام فقیهانی که به حجیت قرائت سبع یا عشر چه از باب تواتر و چه از باب تقیه قائل هستند، ترک بسمله را خط قرمز خود در پذیرش قرائت مشهور و آن را مرادف با بطلان نماز دانسته‌اند (ر.ک: عاملی، ۱۳۹۰، صص ۲۲۳-۲۲۴).

گرفته از جانب قراء دانسته‌اند، این نظر - یعنی انحصار جواز بر قرائات مشهور سبع - را تایید نمی‌کند و با استناد به روایات صحیح‌های که نزول قرآن بر هفت قرائت را دروغ اعداء الله دانسته‌اند، بر وحدت نزول تأکید می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۳۰، ح ۱۳). حکیم معتقد است روایات دال بر تعدد نزول (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۵۸) را باید بر وجوه دیگری حمل نمود تا تعارض بین این دو دسته از روایات مرتفع شود. علاوه بر این، عصر قراء سبعة همان‌طور که از تراجم و تاریخ وفاتشان معلوم است متأخر از زمان صدور روایات هفت قرائت بوده است و مردم قبل از آغاز قرن سوم که قرن اشتهار قراء سبع است، در مدت دو بیست سال به قراء دیگر رجوع می‌کرده‌اند! بنابراین نمی‌توان اخبار نزول قرآن بر هفت حرف را بر قرائات سبع حمل نموده و این قرائات را قدر متیقن در بین قرائات دانست؛ زیرا در زمان صدور این روایات برخی از قرائات سبع همچون قرائت کسائی که به ابتکار ابن مجاهد و با حذف قرائت یعقوب، در ردیف قرائات مشهور جای می‌گیرد، هنوز حادث نشده یا اشتهار نداشته است؛ بنابراین متعلق اخبار «سبعة احرف»، می‌بایست قرائات متداول در بین مردم آن عصر باشد و قطعاً تمام یا برخی از قرائات سبع مشهور را شامل نمی‌شود (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۶، صص ۲۴۲-۲۴۶).

حکیم معتقد است که مقصود از بیان این نصوص این بوده که به مردم القاء نمایند که قصد نفی یک قرائت و تخصیص قرائتی دیگر را ندارند و مردم ملزم هستند که در آن مقطع، قرائات خود را مطابق قرائات متداول سامان‌دهی نمایند. اگر هم روایتی همچون روایت: «إن کان ابن مسعود لا یقرأ علی قراءتنا فهو ضال ... أما نحن فنقرأ علی قراءة أبی» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۶۷۴) بر نفی یک قرائت و ترجیح قرائتی دیگر وارد شده است، بدین خاطر بوده که احتمالاً قرائت ابن مسعود در این مورد خاص موجب بروز فساد عقیده از آیه می‌شده است. به همین خاطر در روایت، قرائت اُبی بن کعب یا اُبی^۱ - یعنی امیر مؤمنان (ع) - به روایت ابن مسعود ترجیح داده شده است. در هر سو اما سیره قطعی ائمه و اجماع، بر جواز همه قرائات متداول و مشهور در میان مردم دلالت دارد (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۶، صص ۲۴۲-۲۴۶).

علامه طباطبایی نیز با نفی انحصار قرائت صحیح در قرائت‌های مشهور، به سایر قرائت‌ها توجه کرده و در المیزان بر پایه همین باور به تفسیر آیات پرداخته است. گویا در باور او به لحاظ ارزش و اعتبار، تفاوت اساسی بین قرائات مشهور و سایر قرائت‌ها وجود ندارد و هریک از این قرائت‌ها می‌تواند به‌عنوان متن قرآن، تفسیر شود. بر پایه بینش و دیدگاه وی قرائت اصلی در

۱. در اینجا احتمال هر دو نوع خوانش از متن روایت وجود دارد.

مواردی که اختلاف قرائت وجود دارد برای ما نامعلوم و در میان تعدادی قرائت پنهان است. به همین سبب باید کوشید تا در پرتو تمام عوامل و قرائن درونی و برونی ترجیح قرائت، همچون أفصحیت، سیاق آیات، قواعد صرفی، قضاوت عقلی و دیگر موارد، بر آن قرائت دست یافت (میبدی، ۱۳۹۳، ش ۸ / دیمه‌کار و ایروانی، ۱۳۹۴، ش ۳).

۲-۴-۱- نقد تسامح در حجیت قرائات متداول

از نظر برخی فقیهان شیعه روایاتی که عمل به قرائات متداول را توصیه می‌کند، به معنای لزوم پذیرش بی‌قید و شرط هر قرائت رایج نیست. قرائن حالیه و مقالیه این نصوص را تخصیص می‌زند و هر قرائتی را که تواتر آن تا پیامبر ثابت نشده باشد و از راویان مورد وثوق و حائز شروط نقل نشده باشد - هرچند در میان مردم رایج و متداول باشد - کنار می‌زند. همچنین باید توجه داشت که این سنخ از روایات در پاسخ برخی اصحاب که از خالی بودن مصاحف رایج از برخی کلمات موجود در مصاحف ائمه سؤال کرده‌اند، صادر شده است. ائمه نیز بنا بر تقیه، مردم را از قرائات آن کلمات مطابق مصاحف خود بازداشته و آنان را به قرائات رایج ارجاع داده‌اند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۷۴). فاضل هندی در قراح الإقتراح که در تحقیق الإقتراح فی اصول علم النحو سیوطی نگاشته است می‌گوید: «اگر یقین یا ظن نزدیک به یقین بر قرآن بودن یک لفظ نداشته باشیم هرگز روا نیست که آن را قرآن بدانیم و به‌عنوان کلام خدا به آن استناد نماییم» (فاضل هندی، ج ۲، ص ۴۸۱) و اردبیلی در کتاب مجمع الفائدة شدیداً به تسامح و تساهل در پذیرش قرائات اعتراض می‌کند و می‌گوید: در سنجش صحت و اعتبار قرائات قرآنی نمی‌توان فقط به إخبار واحد عادل اکتفا نمود بلکه تحصیل تواتر هر قرائت برای حصول علم و یقین به قرآن بودن آن ضروری است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، صص ۲۱۷-۲۱۸).

حاصل عبارات یادشده این است که گرچه قدر مشترک بین قرائات مشهور و متداول به خاطر اجماع و اتفاق عموم مسلمانان بر حجیت آنها، قطعاً قرآن محسوب می‌شود؛ ولی خصوص هر قرائت را مادام که دلیل علمی مفید تواتر و مورد قبول و اطمینان آور بر آن اقامه نشده باشد، نمی‌توان جزئی از قرآن دانست. در کنار دیدگاه چهارم یعنی حجیت قرائات متداول و رایج به‌طور مطلق، دیدگاه‌های فرعی دیگری نیز وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم.

۲-۴-۲- حجیت قرائات متداول بنا بر تقیه

برخی از طرفداران دیدگاه چهارم، برای متداول و رایج بودن قرائات در میان مردم ارزش و اعتباری مستقل قائل نیستند بلکه تمسک به هر قرائت رایج در زمان غیبت را - چه از سبع باشد یا عشر و یا حتی شواذ - فقط بنا بر تقیه و خوف جایز دانسته‌اند. حسین بحرانی در دو کتاب النفحة القدسیة (بحرانی، بی‌تا، ص ۵۱) و الفرحة الانسیة (بحرانی، ۱۳۴۵، ص ۹۷) به تبیین این دیدگاه پرداخته است.

۲-۴-۳- ترجیح قرائات متداول بنا بر احتیاط مستحب

مامقانی در مناهج المتقین در موارد اختلاف قرائات، همه صور مختلف کلمات قرآنی اعم از قرائات سبع و عشر و شواذ را جایز الاًتباع می‌داند و انتخاب قرائت متداول را - یعنی قرائتی را که بیشتر در میان مسلمانان شایع است - اولی و احوط دانسته است (مامقانی، ۱۴۰۴، ص ۶۷).

۲-۴-۴- حجیت قرائات متداول در عصر امامان شیعه

برخی دیگر از صاحبان دیدگاه چهارم، هر قرائتی را که در زمان امامان شیعه (ع) رواج داشته است جایز می‌دانند مگر قرائات رایجی که ائمه از آن منع کرده باشند مثل قرائت ابن مسعود که امام صادق (ع) فرمودند: «اگر ابن مسعود مطابق قرائت ما قرائت نکرده باشد در گمراهی است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۶۷۴). از جمله این فقیهان می‌توان از حکیم نام برد. وی در مناهج الصالحین به جواز قرائت مطابق همه قرائاتی که در زمان ائمه متداول بوده، فتوا داده است. شهید صدر در تعلیقه خود بر کتاب مزبور قید «عدم علم به مخالفت قرائات رایج در عصر ائمه با واقع نص قرآنی» را افزوده است (حکیم، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۳۱). در مقابل، برخی همچون حسین بحرانی در سداد العباد به بطلان عمل عبادی در دوره غیبت در صورت تمسک به قرائات شاذ هرچند منسوب به امامان (ع) باشد، فتوا داده‌اند (بحرانی، ۱۴۲۱، ص ۹۶). مجلسی در بحارالانوار دلیل این بطلان را خبر واحد بودن این قرائات می‌داند. در باور او هرچند برخی از قرائات شاذ، دارای اسناد است اما اسنادی که بر خبر واحد استوار شده باشد، توان رویارویی با قرائات مشهور و متواتر قرآن را ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۷۵). این بیان مجلسی بر پذیرش تواتر قرائات مشهور و حجیت این قرائات از سوی ایشان دلالت دارد.

۲-۵- حجیت هر قرائت موافق با عربیت

از فقیهان متقدم، ابن‌البراج (م. ۴۸۱ ق) در المهدب (ابن‌البراج، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۹۷)، ابوالصلاح حلبی (م. ۴۴۷ ق) در الکافی فی الفقه (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۸) و ابن حمزه (م. ۵۸۵ ق) در الوسيله (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۹۳)، فقط عربیت را در اعتبار و حجیت قرائات، دخیل دانسته‌اند. اینان استفاده از هر قرائتی را که با ادبیات عربی سازگار باشد جایز و موجب صحت عمل عبادی و استفاده عمدی از هر قرائت غیرعربی یا ملحون را موجب بطلان دانسته‌اند. ابن زهره (م. ۵۸۵ ق) در کتاب غنیة النزوع ضمن تصریح بر لزوم سنجش قرائات با ادب عربی به‌عنوان یگانه شرط حجیت، قرائات فاقد این ویژگی را به دلیل وجود اجماع و لزوم احتیاط و برائت ذمه یقینی و به دلیل آیات ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ (یوسف: ۲/۱۲) و ﴿بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾ (شعراء: ۱۹۵/۲۶)، مجزی نمی‌داند. در باور این فقیه متقدم، همان‌طور که اگر کسی شعر امرئ القیس را به زبان غیرعربی بخواند، قرائت‌کننده شعر او محسوب نمی‌شود، اگر قرآن نیز به غیر زبان عربی صحیح قرائت شود، قرائت قرآن محسوب نمی‌شود؛ علاوه بر اینکه اگر قرائات ناصحیح و غیر مطابق با زبان قرآن را قرآن بدانیم، با اجماع و اتفاق بر معجزه بودن و مثل و مانند نداشتن قرآن منافات دارد و موجب نفی اعتقاد به اعجاز این کتاب الهی خواهد شد (ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۷۸).

عبارات محقق حلی (م. ۶۷۶ ق) در المختصر النافع (محقق حلی، ۱۴۲۸، ص ۳۰) و در المعتمر با افزودن قید اجماع علمای امامیه (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۶) و عبارات تعدادی از شروح المختصر النافع مثل کشف الرموز فاضل آبی (فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۲) و التنیح الرائع فاضل مقداد (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۶) و المهدب البارع ابن فهد حلی (ابن فهد حلی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۶۰) و کنز المسائل و المآخذ عبدالله بحرانی (بحرانی، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۲۱۶) نیز در انتخاب این دیدگاه، ظهور دارد.

علامه حلی در تذکرة الفقهاء و نهاية الاحکام، از فتوای سید مرتضی بر کراهت بروز لحن و خطا در عربیت قرائت (علامه حلی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۸۶) این‌طور برداشت نموده که فقیهان شیعه در عربیت قرائت دارای دو دیدگاه هستند. گروهی رعایت نکردن عربیت را امری حرام و موجب بطلان عمل و گروهی دیگر اقدام به لحن و غلط در عربیت قرائت را امری مکروه دانسته‌اند و آن را موجب بطلان نمی‌دانند (علامه حلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۳/ علامه حلی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۶۲). چنین برداشتی غلط و ناصواب است زیرا به نظر می‌رسد عالمان شیعه بر بطلان

عمل عبادی در صورت اقدام به لحن و خطا در اعراب و عربیت قرائت، اجماع دارند (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۸).

در میان فقیهان متأخر امامیه نیز فقیهانی نامدار همچون صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۲۹۳) و خوئی دیدگاه فوق را ملاک اصلی در حجیت و اعتبار قرائت قرآنی دانسته‌اند. البته خوئی در حاشیه خود بر عروة مطابقت قرائت با قواعد زبان عربی را کافی ندانسته و بر آن متداول و رایج بودن قرائت را نیز افزوده است. از دید وی هر قرائت متعارفی که در بین مردم رایج باشد و بتوان بر آن قرائت قرآن اطلاق نمود هرچند از قرائت سبع نباشد، مجزی است (یزدی طباطبایی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۵۵۰).

گفتنی است اطلاق قرائت صحیح بر هر قرائت عربی و صحیح‌السند و نفی تواتر منتهی به پیامبر در قرائت مشهور و در نتیجه نفی انحصار حجیت در این قرائت، در اقوال بزرگانی از عامه نیز مشهود است. از قدمای عامه عالمانی همچون ابوعمرو عثمان بن سعید الدانی (م. ۴۴۴ ق)، ابو العباس أحمد بن عمار المهدوی (م. ۴۳۰ ق)، ابوبکر بن العربی (م. ۵۴۳ ق)، أبو العلاء الهمدانی (م. ۵۹۶ ق) و مکئی بن ابی طالب (م. ۴۳۷ ق) را می‌توان نام برد که قرائت مجاز قرآن را متعین در قرائت سبع مشهور نمی‌دانند (مکئی، بی‌تا، ص ۵۱). زرکشی (م. ۷۹۴ ق) در البرهان می‌نویسد: «تواتر نقل قرائت از مبدأ هفت امام قرائت امری محقق است اما تواتر نقل قرائت از مبدأ پیامبر اکرم (ص) محل اشکال و نظر است! زیرا اسناد امامان قرائت به این قرائت، در کتب و به‌صورت اخبار واحد از واحد است و از شروط تواتر برخوردار نیست» (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۶۶). همچنین ابن جزری (م. ۸۸۳ ق) در النشر فی القرائات العشر هر قرائت موافق با عربیت، موافق با رسم‌الخط مصاحف عثمانی و دارای سند صحیح را مجاز شمرده است هرچند که در مجموعه قرائت سبع یا عشر مشهور نباشد. ابن جزری معتقد است فقدان یکی از سه شرط پیش‌گفته حتی در یکی از قرائت موجود در مجموعه قرائت سبع یا عشر باعث ضعف و بطلان قرائت مذکور می‌شود (ابن جزری، بی‌تا، ج ۱، ص ۸). نیز ابو شامه در کتاب المرشد الوجیز بنا بر نقل ابن جزری، بر همین رأی است؛ جز اینکه منقولات قراء سبع را به لحاظ اشتهارشان و کثرت قرائت صحیح مورد اجماع در قرائاتشان، دارای ارزش و اعتبار بیشتری می‌داند (ابن جزری، بی‌تا، ج ۱، صص ۷-۹).

همان‌طور که دیده می‌شود خلف و سلف عامه قائل به قرائتی با نام قرائت مشهور و غیر مشهور نیستند. قرائت صحیح در نزد آنان قرائتی است که از عربیت و اسناد صحیح برخوردار

باشد. به همین سبب هر قرائتی را که فاقد این ویژگی‌ها باشد شاذ، ضعیف و باطل اعلام می‌دارند.

۲-۵-۱- دلایل صاحب جواهر بر اعتبار عربیت در حجیت قرائت

صاحب جواهر، تواتر قرائات سبع یا عشر مشهور و وجوب انحصار حجیت در این قرائات را نمی‌پذیرد. وی هر قرائتی را که منطبق بر نهج عربی باشد در نماز و غیر نماز مجزی می‌داند، هرچند که در زمره قرائات مشهور نباشد. ایشان مدعی است اکثر قدمای عامه به خاطر اعتقاد به عدم تواتر قرائات، عمل به قرائات سبع و غیر سبع را تجویز می‌کرده‌اند. همچنین از نظر او بسیاری از قدمای امامیه همچون طوسی در تبیان (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷) و طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۶) و راویانی همچون زراره، فضیل و معلی بن خنیس (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۳۰، ح ۱۲ و ۱۳ و ص ۶۳۴، ح ۲۷)، بر عدم تواتر قرائات تصریح نموده‌اند. در این بین ایشان روایات مشعر به نزول قرآن بر هفت حرف (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۵۸) را بر تقیه یا اراده بطون قرآن حمل می‌نمایند.

نجفی معتقد است وجوب عمل بر طبق یکی از قرائات سبع یا عشر و همچنین تواتر این قرائات مردود است؛ زیرا اولاً با ملاحظه قراء مشهور و استادان و شاگردان آنان در کتب قرائات به سهولت درمی‌یابیم که تواتری در کار نیست و نهایت افرادی که در هر طبقه از آن‌ها یاد می‌شود یک یا دو نفر هستند. ثانیاً اعلام یک قرائت توسط هر قاری و منع مردم از قرائات دیگر، به عدم تواتر همه قرائات اشاره دارد. ثالثاً در باور این فقیه نامدار، لزومی ندارد که حجیت قرائات قرآن، مبتنی بر تواتر این قرائات باشد بلکه با استناد به خبر واحد و هر چیزی که بتوان آن را حجت شرعی تلقی نمود نیز می‌توان قرائتی را معتبر دانست (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۹، صص ۲۹۳-۲۹۷).

وی در رد این اتهام بر امامیه که اعتقاد به عدم تواتر هیئات و قرائات الفاظ قرآن معادل اعتقاد به عدم تواتر بخشی از قرآن و نفی حجیت و اعتبار آن است! می‌گوید: ملاک در تواتر قرآن ثبات ماده و جوهر کلمات قرآن است که تشکیل‌دهنده خطوط و معانی است. عدم ثبات رسوم کلمات - یعنی حرکات و سکنات - در قالب قرائات سبع یا عشر مشهور، منجر به عدم تواتر ابعاضی از قرآن نمی‌شود؛ چراکه این رسوم، مطابق قواعد لغوی، حادث و عارض بر کتابت می‌شود و جزئی از اصل ماهیت کلمات به شمار نمی‌آید. از این رو بسیار بعید است که مخاطبان قرآن در صدر اسلام تمام این رسوم را به خاطر سپرده باشند.

صاحب جواهر در پایان این بحث بیان می‌دارد که برفرض چشم‌پوشی از همه این دلایل و قبول اجماع بر تواتر قرائات، امثال این اجماعات نسبت به ما جز ظن بر تواتر را که امری بی‌اثر است فایده نمی‌دهد و ادعای حصول قطع به تواتر از امثال این اجماعات، فاقد پشتوانه علمی و منطقی است؛ همان‌طور که ادعای کفایت ظن بر حرمت تعدی از قرائتی که متواتر است به قرائت دیگری که متواتر نیست و بطلان عمل عبادی در صورت مخالفت با متواتر، ادعایی عاری از دلیل و منطقی است؛ بلکه اطلاق فتاوی و خالی بودن کلام بزرگان از وجوب قرائات مشهور، خلاف این ادعا را ثابت می‌کند و لذا بر اجماع ادعایی بر وجوب عمل به قرائات سبع یا عشر و حرمت تعدی از قرائات مشهور به قرائات دیگری که مطابق با نهج عربی است، نهایت چیزی را که می‌توان مترتب نمود، جواز و اختیار عمل بر طبق قرائات مشهور است و نه انحصار و وجوب! (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۹، صص ۲۹۳-۲۹۷)

۲-۵-۲- اکتفا به مطابقت اجمالی قرائت با عربیت در حکم به صحت آن

در میان صاحبان دیدگاه پنجم، برخی همچون سید محمود طباطبایی بروجردی (م. ۱۳۰۰ ق) در کتاب المواهب السنيه - که شرحی بر منظومه فقهی سید بحرالعلوم موسوم به الدرّة النجفیه است- بر حجیت هر قرائت مشهور و متداول در بین مردم که فی‌الجمله موافق با زبان عربی شناخته شده است و عرف عام بر توالی اجمالی قرائت با قرائات اصلی حکم کند، فتوا داده‌اند (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۴۸۰). مطابق این نظر، دقت علمی در انطباق قرائت با قوانین و ملاکات قراء و اهل ادب که موجب عسر و حرج خواهد شد، امری لازم نیست. همین اندازه که عرف عام بر تالی و حاکی بودن قرائت از قرائات قراء حکم نماید، کفایت می‌کند. در این دیدگاه، متابعت مطلق قرائت از تمام قواعد و ملاکات اهل زبان و لغت عربی لازم شمرده نشده است؛ چراکه به عنوان مثال اهل لغت در ﴿الحمد لله رب العالمین﴾ (حمد: ۱/۱)، نصب نعت مجرور (رب) به تقدیر فعل (أعنی) یا رفع آن به تقدیر مبتدا (هو) را جایز شمرده‌اند، درحالی‌که قرائت صحیح و متداول در این آیه قرائت جر است.

۲-۵-۳- احتیاط مستحب در اختیار قرائات سبع از میان قرائات صحیح عربی

برخی دیگر از صاحبان دیدگاه پنجم، در عین نفی انحصار جواز قرائت قرآن بر قرائات سبع یا عشر مشهور و التزام به اعتبار و حجیت هر قرائت مطابق با نهج عربی، قائل به احتیاط مستحب در عمل به قرائات سبع شده‌اند. فاضل تونی (م. ۱۰۷۱ ق) در وافیه الاصول ادعا نموده است که

قدمای عامه بر عدم جواز عمل بر طبق قرائتی که خارج از قرائات سبع یا عشر مشهور باشد اتفاق نظر داشته‌اند و علمایی از شیعه نیز از عامه تبعیت نموده‌اند؛ اما با این وجود، دلیلی مورد اعتنا بر انحصار جواز قرائت قرآن بر قرائات سبع یا عشر مشهور وجود ندارد (فاضل تونی، ۱۴۱۵، ص ۱۴۸). در باور وی، می‌توان برخلاف نظر قدمای عامه و تابعان شیعی آنان، از قرائات سبع یا عشر مشهور تعدی نموده و به قرائتی صحیح اما غیر مشهور، تمسک کرد.

گفتنی است ادعای فاضل مبنی بر التزام قدمای عامه به قرائات مشهور، درست نیست؛ چون تتبع و جستجوی نظرات عامه چنانچه در صفحات قبل اشاره شد، خلاف این ادعا را نشان می‌دهد. ظاهراً عامه چندان در قید و بند قرائات مشهور سبع یا عشر نبوده‌اند و انحصار حجیت در قرائات مشهور بیشتر در بین متأخران ایشان رواج یافته است.

از طرفداران این دیدگاه که دومین دیدگاه فرعی در ذیل دیدگاه پنجم به حساب می‌آید، می‌توان از طباطبایی یزدی (م. ۱۳۳۷ ق) صاحب عروة، نام برد. وی قرائت نماز مطابق قرائات سبع را احتیاط مستحب دانسته است. از نظر ایشان قرائت قرآن در عمل عبادی اگر بر نهج و شیوه عربی باشد و بتوان بر آن قرائت عربی صحیح اطلاق نمود، هرچند مخالف با حرکات اعرابی و بنایی قرائات سبع باشد، مجزی است (یزدی طباطبایی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۵۴۹).

امام خمینی نیز در حاشیه خود بر عروة، قرائت به یکی از قرائات سبع را احتیاط مستحب می‌داند و به کفایت هر قرائتی که مطابق با نهج عربی باشد و عدم وجوب قرائات سبع، حکم می‌دهد: «لا یتروک القراءة باحدی القراءات السبعة وإن کان الأقوی عدم وجوبها، بل یکفی القراءة علی النهج العربی و إن کانت مخالفة لهم فی حركة بنیة أو إعراب» (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۳۵۳). نیز همو در تحریر الوسیله، قرائت نماز مطابق قرائات سبع و بلکه رعایت قرائت موجود در مصحف (حفص از عاصم) را مطابق با احتیاط دانسته و در عین حال، به جواز قرائت مطابق یکی از قرائات صحیح - هر چند در عداد قرائات سبع یا عشر مشهور نباشد - فتوا داده است: «الاحوط عدم التخلف عن احدی القرائات السبع، کما ان الاحوط عدم التخلف عما فی المصاحف الکریمه الموجوده بین ایدی المسلمین و ان کان التخلف فی بعض الکلمات مثل ملک یوم الدین و کفوا احد غیر مضر، بل لایبعد جواز القرائه باحدی القرائات...» (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۸).

۲-۶- جمع قرائات یا وجوب تلفظ به همه وجوه قرائت یک کلمه قرآنی

مطابق این دیدگاه، در موارد اختلاف قرائت در سوره حمد، مثل مَلِك و مالک و صراط و سراط، در صورتی ذمه نمازگزار مبرای از تکلیف می‌شود که به همه وجوه، قرائت کند. یوسف بحرانی این قول را در صورتی نیکو می‌داند که ائمه (ع)، قرائت قرآن مطابق با قرائات مردم را مورد رخصت قرار نداده باشند (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۱۰۲). به نظر می‌رسد اردبیلی نیز به همین دیدگاه روی آورده است. وی به خصوص در موارد وجوب قرائت به واسطه نذر و شبه نذر، احتیاط را در جمع قرائات می‌داند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۹). این دیدگاه مستلزم بروز عسر و حرج خواهد شد؛ چرا که آگاهی بر وجوه اختلاف قرائت در کلمات مختلف القرائه مختص به اهل فن است و از عهده عامه مردم بر نمی‌آید. شاید به همین خاطر است که نراقی در مستند الشیعه، بر بطلان جمع بین قرائات ادعای اجماع قطعی می‌کند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۷۹).

نتیجه‌گیری

۱. اگر فقیهان شیعه سخن از تواتر قرائات به میان آورده‌اند، به معنای قبول تواتر از مبدأ رسول اکرم (ص) و پذیرش نزول قرآن بر هفت قرائت نیست؛ بلکه این تواتر را از مبدأ پیشوایان قرائت تا زمان حال پذیرفته‌اند. ایشان معتقدند وجود روایات دال بر نزول قرآن بر هفت حرف نیز بر فرض قبول، با توجه به عدم حدوث یا اشتها برخی از قرائات سبع در زمان صدور این روایات، نمی‌تواند ناظر به قرائات سبع مشهور باشد. بنابراین متعلق نصوص می‌بایست قرائات متداول در بین مردم آن عصر باشد و قطعاً تمام یا برخی از قرائات سبع مشهور را شامل نمی‌شده است. بر همین مبنا برخی از فقیهان شیعه، انحصار قرائات در سبع یا عشر مشهور و تواتر آنها را برتافته و قرائت رایج یا مطابق با قواعد زبان عربی را هرچند در مجموعه قرائات سبع یا عشر مشهور نباشد، مجزی می‌دانند.

۲. در این مقاله با استخراج آراء مختلف فقیهان شیعه در مواجهه فقهی ایشان با مقوله قرائات و سامان‌دهی و تحلیل این آراء در ذیل شش عنوان اصلی، معلوم شد که عمدتاً دو نظرگاه اصلی و محوری در میان فقیهان شیعه در مواجهه با قرائات وجود دارد:

الف) دیدگاه مدعی اجماع بر تواتر قرائات سبع یا عشر مشهور و وجوب قرائت قرآن بر طبق یکی از این قرائات: به نظر می‌رسد این دیدگاه به‌ویژه در حوزه قرائات سبع، پیروان بیشتری را به خود اختصاص داده و دیدگاه قدمای فقها و مفسران از خاصه و عامه است. با این تفاوت که عامه تواتر قبل از قراء تا رسول خدا (ص) را نیز ادعا دارند؛ ولی خاصه، فقط تواتر پس از قراء

تا زمان حال را پذیرفته‌اند. بیشتر پیروان تواتر به‌طور مطلق، به تواتر و حجیت قرائات سبع یا عشر گرایش یافته‌اند ولی تعدادی از آنان، قیودی را بر اعتقاد خود به تواتر و حجیت قرائات مشهور ضمیمه ساخته‌اند. برخی فقط در نماز قائل به وجوب رعایت قرائات سبع هستند و در غیر نماز علاوه بر قرائات سبع، سه قرائت مکمل را نیز معتبر دانسته‌اند. برخی دیگر، فقط در اختلافات جوهری به حجیت سبع فتوا داده‌اند و در اختلافات ادائی، هر قرائت صحیح را جایز شمرده‌اند. برخی نیز به جمع قرائات یا وجوب قرائت همه اشکال مختلف یک کلمه مختلف القرائه در عمل عبادی، فتوا داده‌اند.

ب) دیدگاه نافی تواتر قرائات سبع یا عشر مشهور: پیروان این نظر یا به حجیت و وجوب عمل بر طبق قرائات سبع یا عشر از باب تقیه روی آورده‌اند، یا وجوب عمل بر طبق قرائات سبع یا عشر را نفی می‌کنند. از نظر ایشان همه قرائات مطابق با عربیت یا پربسامد و متداول در میان مردم، هرچند در شمار قرائات سبع یا عشر مشهور نباشد، مجزی به حساب می‌آیند. از طرف دیگر، هر قرائتی که ناسازگار با عربیت و نهج عربی و یا شاذ در بین مردم باشد، باطل محسوب می‌شود؛ هرچند در بسته قرائات سبع یا عشر جای داشته باشد.

منابع و مأخذ

١. ابن البراج؛ المذهب؛ قم: انتشارات جامعه مدرسين، ١٤٠٦ ق.
٢. ابن بابويه؛ محمد بن علي؛ الخصال؛ قم: انتشارات جامعه مدرسين، ١٤٠٣ ق.
٣. ابن الجزري، محمد بن محمد؛ النشر في القرائات العشر؛ بيروت: دارالكتب العلمية، بی تا.
٤. ابن زهره حلبي؛ غنية النزوع إلى علمي الاصول و الفروع؛ قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ١٤١٧ ق.
٥. ابوالصلاح حلبي؛ الكافي في الفقه؛ اصفهان: كتابخانه عمومی امام اميرالمؤمنين (ع)، ١٤٠٣ ق.
٦. ابن فهد حلبي؛ المذهب البارع في شرح المختصر؛ قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٧ ق.
٧. —؛ الموجز الحاوي لتحرير الفتاوى؛ به كوشش: مهدي رجايي، قم: كتابخانه آيت الله مرعشي، ١٤٠٩ ق.
٨. اراكي، محمدعلي؛ كتاب الصلوة؛ بی جا، بی نا، بی تا.
٩. اردبيلي، احمد بن محمد؛ مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الاذهان؛ قم: انتشارات اسلامي، ١٤٠٣ ق.
١٠. انصاري، مرتضى؛ الانظار التفسيريه للشيخ الانصاري؛ قم: دفتر تبليغات اسلامي، ١٤١٨ ق.
١١. بجراني، حسين؛ النفحة القدسية في الصلاة اليومية؛ بی جا، بی نا، بی تا.
١٢. —؛ الفرحة الانسية في شرح النفحة القدسية؛ النجف الاشرف: المطبعة المرتضوية، ١٤٣٥ ق.
١٣. —؛ سداد العباد و رشاد العباد؛ قم: كتابفروشي محلاتي، ١٤٢١ ق.
١٤. بجراني، عبدالله؛ كنزالمسائل و المآخذ في شرح المختصر النافع؛ قم: دارالتفسير، ١٣٨١ ش.
١٥. بجراني، يوسف؛ شرح الرسالة الصلواتية؛ به كوشش: ابواحمد بجراني. منامه: مكتبة العلوم العامة، ١٤٠٩ ق.
١٦. —؛ الحدائق الناضرة؛ به كوشش: محمدتقي ايرواني و عبدالرزاق مكرم، قم: انتشارات اسلامي، ١٤٠٥ ق.
١٧. بروجردي، سيد حسين؛ تفسير الصراط المستقيم؛ قم: انتشارات انصاريان، ١٤١٦ ق.
١٨. البلاغي النجفي، محمدجواد؛ آلاء الرحمن في تفسير القرآن؛ قم: بنياد بعثت، ١٤٢٠ ق.
١٩. بهبهاني، محمداقرب بن محمد اكمال؛ الحاشية على مدارك الاحكام؛ قم: مؤسسه آل البيت، ١٤١٩ ق.
٢٠. جزائري، سيد نعمت الله؛ منبع الحيوية و حجية قول المجتهد من الاموات؛ قم: بی نا، ١٤٠١ ق.
٢١. جمعي از نويسندگان؛ فرهنگ نامه علوم قرآني؛ قم: دفتر تبليغات اسلامي، ١٣٩٤ ش.
٢٢. حائري يزدي، عبدالكريم؛ كتاب الصلاة؛ قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، ١٤٠٤ ق.
٢٣. حلبي، مقداد بن عبدالله السيوري؛ كنز العرفان في فقه القرآن؛ تهران: المكتبة الرضوية، ١٣٨٤ ش.
٢٤. —؛ التنقيح الرائع لمختصر الشرائع؛ قم: كتابخانه آيت الله العظمي مرعشي، ١٤٠٤ ق.
٢٥. حلبي، نجم الدين، جعفر بن حسن؛ المعتبر في شرح المختصر؛ قم: مؤسسه سيد الشهداء (ع)، ١٤٠٧ ق.
٢٦. —؛ المختصر النافع في فقه الامامية؛ قم: مؤسسه المطبوعات الدينية، ١٤١٨ ق.

۲۷. —؛ المسائل العزّیة؛ به کوشش: رضا استادی، قم: کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ تذکرة الفقهاء؛ قم: مؤسسه آل‌البيت، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. —؛ نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام؛ قم: مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ ق.
۳۰. —؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ ق.
۳۱. —؛ تحریر الاحکام الشرعية علی مذهب الامامية؛ قم: مؤسسة الامام الصادق (ع)، ۱۴۲۰ ق.
۳۲. خمینی، سید روح‌الله موسوی؛ تحریر الوسيلة؛ قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی‌تا.
۳۳. —؛ العروة الوثقی مع تعالیق الامام الخمينی؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار، ۱۴۲۲ ق.
۳۴. خوانساری، محمدباقر؛ روضات الجنات؛ قم: اسماعیلیان، بی‌تا.
۳۵. الدمیاطی، احمد بن محمد؛ تحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعة عشر؛ بیروت: دار الکتب، ۱۴۲۲ ق.
۳۶. دیمه کار گراب، محسن و ایروانی نجفی، مرتضی؛ روش علامه طباطبایی در مواجهه با اختلاف قرائات در المیزان؛ تهران: فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ۱۲، شماره ۳ (پیاپی ۲۷)، ۱۳۹۴ ش.
۳۷. زرکشی؛ البرهان فی علوم القرآن؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ ق.
۳۸. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی؛ رسائل الشریف المرتضی؛ قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق.
۳۹. شریف رضی؛ حقائق التأویل فی متشابه التنزیل؛ بی‌جا: دار المهاجر، بی‌تا.
۴۰. شعرانی؛ تعلیقات بر شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی؛ بی‌جا، بی‌تا.
۴۱. شهید اول، محمد بن مکی؛ الدروس الشرعية فی فقه الامامية؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۴۲. —؛ البیان؛ به کوشش: محمد حسون، قم: بنیاد فرهنگي امام مهدی (ع)، ۱۴۱۲ ق.
۴۳. —؛ ذکرى الشيعة فی أحكام الشريعة؛ قم: مؤسسه آل‌البيت (ع)، ۱۴۱۹ ق.
۴۴. شهید ثانی، زین‌الدین؛ المقاصد العلية فی شرح الرسالة الالفية؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۴۵. —؛ روض الجنان فی شرح إرشاد الاذهان؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۲ ق.
۴۶. —؛ الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية؛ قم: کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰ ق.
۴۷. صیمری، مفلح؛ كشف الالتباس (شرح الموجز الحاوی)؛ قم: مؤسسه صاحب‌الأمر (ع)، ۱۳۷۵ ش.
۴۸. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم؛ العروة الوثقی مع التعلیقات؛ قم: مدرسه امام علی (ع)، ۱۴۲۸ ق.
۴۹. طباطبایی بروجردی، سید محمود؛ المواهب السنية فی شرح الدرّة النجفیه؛ مشهد: آستان قدس، ۱۳۹۰ ش.
۵۰. طباطبایی حکیم، سید محسن؛ مستمسک العروة الوثقی؛ قم: مؤسسه دارالتفسیر، ۱۴۱۹ ق.
۵۱. —؛ منهاج الصالحین؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ ق.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر مجمع‌البیان؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.

۵۳. طوسی، محمد بن علی بن حمزه؛ *الوسيلة إلى نيل الفضيلة*؛ قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
۵۴. —؛ *التبيان في تفسير القرآن*؛ بيروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵۵. عاملی، محمد بن علی موسوی؛ *مدارك الاحكام*؛ بيروت: مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۱ ق.
۵۶. عاملی، سید جواد؛ *مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۵۷. عاملی، بهاء الدین؛ *الحبل المتين في أحكام الدين*؛ قم: کتاب فروشی بصیرتی، ۱۳۹۰ ق.
۵۸. —؛ *زبدة الاصول*؛ قم: مرصاد، ۱۴۲۳ ق.
۵۹. عسکری، سید مرتضی؛ *القرآن الكريم و روايات المدرستين*؛ تهران: مجمع علمی اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۶۰. فاضل آبی، حسن؛ *كشف الرموز في شرح المختصر النافع*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۶۱. فاضل تونی، عبدالله بن محمد؛ *الوافية في أصول الفقه*؛ بی جا: مجمع فکر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۶۲. فاضل هندی، محمد؛ *قراح الاقتراح*؛ تهران: هستی نما، ۱۴۲۸ ق.
۶۳. —؛ *كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۶۴. قابه، عبدالحلیم بن محمد الهادی؛ *القرائات القرآنية*؛ بيروت: دار الغرب الإسلامي، ۱۹۹۹ م.
۶۵. قمی، ابوالقاسم؛ *جامع الشتات في أجوبة السؤالات*؛ تهران: مؤسسه کیهان، ۱۴۱۳ ق.
۶۶. —؛ *قوانين الاصول*؛ قم: کتابفروشی علمی اسلامی، ۱۳۷۸ ق.
۶۷. کرکی، علی بن الحسین؛ *الرسالة الجعفرية (رسائل المحقق)*؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۹ ق.
۶۸. —؛ *جامع المقاصد في شرح القواعد*؛ قم: مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۶۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تهران: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
۷۰. مامقانی، عبدالله؛ *مناهج المتقين في فقه ائمة الحق و اليقين*؛ قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۴ ق.
۷۱. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*؛ بيروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۷۲. معرفت، محمد هادی؛ *التمهيد في علوم القرآن*؛ قم: مؤسسة النشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تعليقات على العروة الوثقى*؛ قم: مدرسة الامام امير المؤمنين (ع)، ۱۴۱۳ ق.
۷۴. مکی بن ابی طالب؛ *الابانه عن معاني القرآن*؛ به کوشش: عبدالفتاح اسماعیل، قاهره: دارالنهضة، بی تا.
۷۵. موسوی خوانساری، محمدباقر؛ *روضات الجنات في احوال العلماء*؛ بيروت: دارالاسلامیة، ۱۴۱۱ ق.
۷۶. میبدی، محمد فاکر؛ *اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبائی*؛ دو فصلنامه قرآن شناخت، سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، ۱۳۹۳ ش.
۷۷. نراقی، احمد؛ *مستند الشيعة في احكام الشريعة*؛ قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ ق.
۷۸. نجفی، کاشف الغطاء، عباس بن حسن بن جعفر؛ *الفوائد الجعفرية*؛ بی جا: مؤسسه کاشف الغطاء، بی تا.
۷۹. نجفی، محمد حسن؛ *جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام*؛ تهران: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۷۳ ق.

